

دانشگاه گیلان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عربی

عنوان

بینامتنیت زهدیات ابوالعتاهیه با قرآن ونهج البلاغه

مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد

دانشجو : مسعود محمدی

استاد راهنما : آقای دکتر حسینی

استاد مشاور : آقای دکتر پور محمد

دی ماه سال ۱۳۹۱

تقدیم به

پدر و مادرم که در زندگی به وجودشان افتخار میکنم.

آموزگارانی که اندیشه متعالی بهتر زیستن را برایم معنا کردند.

کسانی که در راه کسب علم و معرفت برای من هر کاری که میتوانستند کردند.

تقدیر و تشکر

اکنون که با لطف بی پایان پروردگارم این پایان نامه را به اتمام رسانده بر خود لازم می دانم که قدردان یکایک

بزرگوارانی باشم که مسیر پرفراز و نشیب کسب علم و معرفت را برایم هموار نمودند .

پدر و مادرم که محراب دلم هستند و بودنشان برایم افتخاری است. همچنین از زحمات بی دریغ معماران اندیشه

ام، استاد محترم راهنما آقای دکتر حسینی و استاد مشاور گرامی آقای دکتر پورمحمد که با راهنمایی های ارزشمند

خویش راهگشای اینجانب بوده اند کمال سپاس و تشکر را دارم .

از اساتید محترم گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه گیلان که همه به نوعی راهنما و روشن کننده راه علم و

زندگی ام بوده اند، سپاسگزارم و آرزوی تندرستی و موفقیت روزافزون آنان را از خداوند یکتا خواستارم .

چکیده :

قرآن کریم، معجزه جاویدان حضرت محمد (ص) - که موجب اسلام آوردن بسیاری از کفار و بت پرستان شد - تأثیر فراوانی بر ادبیات عربی گذاشته است. بهطوری که پس از استقرار حکومت اسلامی به عنوان مصدر اصلی فرهنگ مسلمانان مطرح شد. در عصر عباسی اول (۲۳۲-۱۳۲ ه.ق) نیز، با به وجود آمدن یک دولت مرکزی و اسلامی و رشد فکری، فرهنگی و علمی مردم و گسترش مراکز علمی و دینی، شاهد تأثیر این آیات الهی در ادبیات عرب میباشیم. ابوالعتاهیه نیز یکی از این شاعرانی است که از فصاحت و بلاغت موجود در آیات قرآن به شگفت آمده بود. که با نگاهی به اشعار زهدی او میتوان به عمق این تأثیر پی برد.

براساس گواهی مورخان تاریخ ادبیات و عقیده ی صاحب نظران، ابوالعتاهیه (۲۱۰-۱۳۰ هجری) از شاعران برجسته و نوآور عصر عباسی اول و همچنین قافله سالار شعر زهد عربی است. نوآوری او در سرودن اشعار زهدی موجب شده است که برخی محققان، او را متأثر از مکاتب فکری و فلسفی؛ برخی از صاحب نظران او را متأثر از فرهنگ های ایرانی، یونانی و هندی بدانند. در این تحقیق، با مقایسه میان اشعار ابوالعتاهیه و کلام امام علی (ع) نشان میدهم ؛ که شاعر بعد از پیامبر (ص) علی (ع) را افضل خلق دانسته و از سخنان و ادبیات امام علی (ع) تأثیر به سزایی گرفته ؛ و از نسیم روح افزای کلام امیر المؤمنین تنفس کرده است. بهگونه ای که در تعدادی از ابیات او حکمت های علی (ع) بدون تغییر واژه، از قالب نثر به لباس نظم در آمده است. علاوه بر این، واژگان علی (ع) در جای جای اشعار ابوالعتاهیه نهفته است و شاعر در سرودن اشعار خود از تشبیهات، مضامین و حکمت های نهج البلاغه در خلق اثر خود بهره برده است. از نتایج این تحقیق، اثبات سیطره و تأثیر فراوان کلام امام (ع) بر ادبیات عربی است. حتی قبل از گردآوری آن توسط شریف رضی در بین شاعران و نکته سنجانی هم چون ابوالعتاهیه معروف بود.

کلید واژه ها : قرآن، نهج البلاغه، ابوالعتاهیه، زهدیات

صفحه	عنوان
	چکیده
۱	۱) فصل اول: کلیات تحقیق
۱	۱) مقدمه
۲	۱) بیان مسأله..... ۴
۲	۱) سؤال‌های تحقیق..... ۳
۲	۱) فرضیه‌های تحقیق..... ۴
۳	۱) اهداف تحقیق..... ۵
۳	۱) ضرورت و روش تحقیق..... ۶
۳	۱) پیشینه‌ی تحقیق..... ۴
۶	۲) فصل دوم: عصر عباسی
۶	۲-۱) اوضاع سیاسی..... ۱
۷	۲-۱-۱) حکومت منصور..... ۱
۹	۲-۱-۲) فروپاشی خلافت عباسیان..... ۲
۹	۲-۲) اوضاع اقتصادی..... ۲
۱۰	۲-۳) اوضاع اجتماعی..... ۳
۱۲	۲-۴) اوضاع دینی..... ۴
۱۴	۲-۴-۱) تصوف در عصر عباسی..... ۴
۱۴	۲-۵) پیشرفت و تحول علوم اسلامی..... ۵
۱۶	۳) فصل سوم: ادبیات عصر عباسی و زهدیات ابوالعناهیة
۱۷	۳-۱) ادبیات عصر عباسی..... ۱
۱۷	۳-۱-۱) شعر عصر عباسی..... ۱
۲۱	۳-۱-۲) زهد..... ۲
۲۱	۳-۱-۲-۱) پیشینه‌ی زهد عصر عباسی..... ۱
۲۵	۳-۲) شاعر (ابوالعناهیة)..... ۲

۲۵	شرح حال شاعر..... (۱-۲-۳)
۳۰	شعر ابوالعتاهیه..... (۲-۲-۳)
۳۵	اغراض شعری..... (۱-۲-۲-۳)
۳۷	کثرت اشعار..... (۲-۲-۲-۳)
۳۹	زهدیات ابوالعتاهیه..... (۳-۲-۳)
۴۵	فصل چهارم: بینامتنیت زهدیات با قرآن و نهج البلاغه
۴۶	بینامتنیت (تناس)..... (۱-۴)
۴۶	تعریف بینامتنیت..... (۱-۱-۴)
۴۷	پیشینه بینامتنیت..... (۲-۱-۴)
۴۸	مانوس بودن ابوالعتاهیه با قرآن کریم..... (۲-۴)
۵۰	بینامتنیت اشعار ابوالعتاهیه با قرآن..... (۳-۴)
۵۰	بینامتنی مضمونی..... (۱-۳-۴)
۵۰	توحید و مبدأ شناسی..... (۱-۱-۳-۴)
۵۰	شناخت ذات خداوند..... (۱-۱-۱-۳-۴)
۵۲	خلقت و آفرینش انسان..... (۲-۱-۱-۳-۴)
۵۳	معاد و توجه به قیامت..... (۲-۱-۳-۴)
۵۹	مرگ..... (۳-۱-۳-۴)
۵۹	ضرورت یاد مرگ..... (۱-۳-۱-۳-۴)
۶۰	فرا رسیدن مرگ..... (۲-۳-۱-۳-۴)
۶۲	تقوی..... (۴-۱-۳-۴)
۶۲	اهمیت تقوی..... (۱-۴-۱-۳-۴)
۶۴	تقوا بهترین توشه..... (۲-۴-۱-۳-۴)
۶۶	عمل صالح..... (۵-۱-۳-۴)
۷۱	نکوهش و تحقیر دنیا..... (۶-۱-۳-۴)
۷۳	دنیا، دار فانی و زودگذر..... (۱-۶-۱-۳-۴)
۷۶	دنیا، دار غرور و فریب..... (۲-۶-۱-۳-۴)
۷۸	نکوهش مال و ثروت..... (۳-۶-۱-۳-۴)

- ۸۰ (۲-۳-۴) جلوه‌های بلاغی در اشعار با رویکرد قرآنی.....
- ۸۰ (۱-۲-۳-۴) تشبیه و تمثیل.....
- ۸۰ (۱-۱-۲-۳-۴) تشبیه آسمان در قیامت.....
- ۸۱ (۲-۱-۲-۳-۴) تشبیه دنیا به دار غرور.....
- ۸۲ (۲-۲-۳-۴) استعاره.....
- ۸۳ (۳-۲-۳-۴) کنایه.....
- ۸۴ (۴-۲-۳-۴) تلمیح.....
- ۸۵ (۳-۴) ارزش ادبی و تأثیر کلام امام علی(ع) بر ادبیات عرب.....
- ۸۶ (۴-۴) بینامتنیت اشعار ابوالعتاهیه با نهج البلاغه.....
- ۸۶ (۱-۴-۴) اشکال تأثیرپذیری ابوالعتاهیه از نهج البلاغه.....
- ۸۶ (۱-۱-۴-۴) اقتباس واژگانی.....
- ۸۶ (۱-۱-۱-۴-۴) دارالفناء و دارالبقاء.....
- ۸۷ (۲-۱-۱-۴-۴) شناخت ذات حق.....
- ۸۸ (۳-۱-۱-۴-۴) هادم اللذات.....
- ۸۸ (۲-۱-۴-۴) اقتباس تحلیلی (مسخ).....
- ۸۸ (۱-۲-۱-۴-۴) قناعت، بهترین ثروت.....
- ۸۹ (۲-۲-۱-۴-۴) بی‌فایده بودن فرار از مرگ.....
- ۸۹ (۳-۲-۱-۴-۴) ناامیدی از مردم.....
- ۹۰ (۴-۲-۱-۴-۴) متولد شدن برای مردن.....
- ۹۰ (۵-۲-۱-۴-۴) نتیجه اعمال.....
- ۹۰ (۶-۲-۱-۴-۴) زشتی دیدن عیب دیگران.....
- ۹۱ (۷-۲-۱-۴-۴) پیروزی نتیجه صبر.....
- ۹۱ (۸-۲-۱-۴-۴) رنج انسان حریص.....
- ۹۲ (۹-۲-۱-۴-۴) ناتوانی از درک ذات حق.....
- ۹۲ (۱۰-۲-۱-۴-۴) دائمی بودن بلا و مصیبت دنیا.....
- ۹۳ (۱۱-۲-۱-۴-۴) اهمیت پند گرفتن از دنیا.....
- ۹۴ (۱۲-۲-۱-۴-۴) نزدیک بودن آینده.....

- ۹۴.....جمله‌های بلاغی در اشعار با رویکرد نهج‌البلاغه (۳-۱-۴-۴)
- ۹۴.....تشبیه دنیا (۱-۳-۱-۴-۴)
- ۹۴.....تشبیه به زن (۱-۱-۳-۱-۴-۴)
- ۹۵.....تشبیه به علف هرز (۲-۱-۳-۱-۴-۴)
- ۹۵.....تشبیه به سایه ناپایدار (۳-۱-۳-۱-۴-۴)
- ۹۶.....تشبیه به معبر (محل عبور) (۴-۱-۳-۱-۴-۴)
- ۹۶.....تشبیه مردم دنیا (۲-۳-۱-۴-۴)
- ۹۶.....تشبیه به مهمان (۱-۲-۳-۱-۴-۴)
- ۹۷.....تشبیه به مسافر (۲-۲-۳-۱-۴-۴)
- ۹۸.....اقتباس مضمونی (مضامین مشترک) (۴-۱-۴-۴)
- ۹۸.....آن چه برای خود می‌پسندی (۱-۴-۱-۴-۴)
- ۹۹.....جهاد با نفس (۲-۴-۱-۴-۴)
- ۹۹.....تقوا (۳-۴-۱-۴-۴)
- ۹۹.....سفارش به تقوا (۱-۳-۴-۱-۴-۴)
- ۱۰۰.....ضرورت تقوا (۲-۳-۴-۱-۴-۴)
- ۱۰۱.....تقوا بهترین توشه (۳-۳-۴-۱-۴-۴)
- ۱۰۲.....مرگ (۴-۴-۱-۴-۴)
- ۱۰۲.....فرا رسیدن مرگ (۱-۴-۴-۱-۴-۴)
- ۱۰۳.....ضرورت یاد مرگ (۲-۴-۴-۱-۴-۴)
- ۱۰۵.....عمومی بودن مرگ (۳-۴-۴-۱-۴-۴)
- ۱۰۶.....نکوهش از فراموشی مرگ (۴-۴-۴-۱-۴-۴)
- ۱۰۸.....نتیجه‌گیری
- ۱۰۹.....منابع و مأخذ

فصل اول

كليات تحقيق

۱) فصل اول : کلیات تحقیق

۱-۱) مقدمه :

قرآنکریم با اسلوب بلاغی در احکام و آیات آسمانی‌اش همواره شاعران، ادیبان، نویسندگان مُنصف و بی‌غرض را شگفت‌زده کرده است. معانی و اسلوب قرآن ویژه‌ی عصر و زمان خاصی نیست؛ زیرا قرآن قانون جاویدان الهی و سازنده‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی و بزرگ‌ترین منبع و مصور آن است.

قرآنکریم کتابی است تشریحی، ادبی و در اوج فصاحت و بلاغت که شاعران، ادیبان، نویسندگان و سخنوران پیوسته زیباترین معانی، واژگان و دل‌انگیزترین اصطلاحات را از آن وام گرفته و از سرچشمه‌ی فصاحت و بلاغت آن سیراب گشته‌اند. وجوه اعجاز قرآن، مخصوصاً اعجاز بیانی آن، اهل بلاغت را شیفته‌ی خود قرار داده است. تا آن جا که کمتر ادیبی را می‌توان یافت که از زیبایی، سادگی، شیوایی و پختگی مطالب آن بهره‌ای نبرده باشد. این تأثیرپذیری حتی شعر عباسی را نیز که با هرزگی و اباحی‌گری بسیاری عجین گشته شامل می‌شود و شاعرانی چون ابونواس و بشّار که در زمینه باده‌گویی و شراب، گوی سبقت از دیگران برده‌اند، از معانی و اسلوب قرآن کریم برای ارتقای ارزش شعر خود بهره‌هایی برده‌اند. ابوالعتاهیه شاعر برجسته‌ی عصر عباسی که فنّ زهدیات را پایه‌گذاری کرده، به سهم خویش از شراب پاک کلام الهی سرمست گشته و تا جایی که توانسته است شعر وی به ویژه زهدیاتش، تجلّی بخش آرایه‌ها و مضامین قرآن کریم شده است.

علاوه بر قرآنکریم، ابوالعتاهیه از کلام با ارزش امیرمؤمنان (ع) بهره فراوانی برده است. ابوالعتاهیه بعد از پیامبر (ص)، علی (ع) را افضل خلق دانسته و از سخنان و ادبیات امام علی (ع) تأثیر شگرفی گرفته و از نسیم جان بخش کلام امام (ع)، تنفّس کرده است. واژگان علی (ع) و حکمت‌های گران‌بهای او در جای جای دیوان اشعار ابوالعتاهیه، خصوصاً در زهدیات او تداعی یافته و این خود بیان گر این مطلب است که سخنان حضرت علی (ع) قبل از گردآوری در بین ادیبان و شاعران و نکته‌سنجانی همانند ابوالعتاهیه، معروف و شناخته شده بود.

این پایان نامه در ۴ فصل تدوین شده که عبارت است از :

فصل اول: به بیان کلیات تحقیق پرداخته شده و شامل بیان مسأله، سوال‌های تحقیق، اهداف، ضرورت، روش تحقیق و پیشینه می‌باشد.

فصل دوم: از وصف خصوصیات عصر عباسی و اوضاع همه جانبه آن اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دینی سخن به میان آمده است.

فصل سوم: اختصاص به معرفی ادبیات عصر عباسی داشته و جنبه‌های مهم آن مورد بررسی قرار گرفته است؛ در این بخش واژه زهد بیان شده است و پیشینه و وضعیت آن در عصر عباسی مطرح شده است. علاوه بر آن به صورت اختصاصی در مورد

ابوالعتاهیه و شرح حال او، خصوصیات و اغراض شاعری او، مهم‌تر از همه در مورد زهدیات او بحث شده است. زیرا مقصود اصلی

در این تحقیق بررسی اشعار زهدی ابوالعتاهیه می‌باشد.

فصل چهارم: در این فصل نمونه‌های بینامتنی و اشکال تأثیرپذیری شاعر در سرودن اشعار زهدی از دو منبع مهم اسلامی یعنی قرآن و نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است. در این فصل هر کدام از عنوان‌های کلی به عنوان دیگری که در ذیل آن‌ها بیان می‌شود تقسیم می‌گردد.

(۲-۱) بیان مسأله :

طبیعت فراموش کار انسان و وجود غفلت‌زا موجب می‌شود، که انسان بسیار، دچار خود فراموشی و غفلت از ارزش وجودی و هدف عالی زندگی‌اش شود؛ انبیا و اولیای الهی که راهنمایان حقیقی بشر هستند، کتب آسمانی، تاریخ بشر و حوادث آن، احوالی که انسان‌ها دچار آن شده‌اند و تجاری که کسب می‌کنند و..... همه و همه، مایه‌های عظیم عبرت و تذکر هستند. تذکر به حقیقت جهان و انسان، تذکر به ارزش‌ها، ضد ارزش‌ها، بایدها و نبایدها و.....

زندگی پرفراز و نشیب ابوالعتاهیه، پدر زهدیه‌سرای در قرن دوم هجری موجب شد، که او تصمیم بگیرد تجارب زندگی‌اش را در اختیار دیگران قرار دهد. همانند یک واعظ دلسوز، مفاهیم نابی از زندگی را با استفاده از مصادر اصلی تبلیغ در اسلام یعنی قرآن کریم و نهج‌البلاغه، در قالب شعر بگنجاند.

تحقیق حاضر با عنوان «بینامتنیت قرآن و نهج‌البلاغه با زهدیات ابوالعتاهیه» به گوشه‌ای از اقتباسات و تأثیرپذیری‌های ابوالعتاهیه، از این دو منبع اصلی در دیوانش می‌پردازد. قرآن کریم معجزه‌جاویدان حضرت محمد(ص) که موجب اسلام آوردن بسیاری از کفار و بت‌پرستان شده است، تأثیر فراوانی در ادبیات عربی گذاشته، به طوری که پس از استقرار حکومت اسلامی، به عنوان منبع اصلی فرهنگ مسلمانان مطرح شد. در عصر عباسی اول (۲۳۲-۱۳۲ ه. ق) نیز با به وجود آمدن یک دولت مرکزی و اسلامی و رشد فکری، فرهنگی و علمی مردم و گسترش مراکز علمی و دینی، شاهد تأثیر این آیات الهی در ادبیات عرب می‌باشیم.

(۳-۱) سؤال‌های تحقیق:

۱ - آیا زهدیات ابوالعتاهیه تحت تأثیر قرآن و نهج‌البلاغه بوده است؟

۲ - آیا ابوالعتاهیه علاوه بر آرایه‌ها، از مضامین آیات قرآن نیز تأثیر پذیرفته است؟

۳ - آیا ابوالعتاهیه علاوه بر آرایه‌ها از مضامین نهج‌البلاغه نیز تأثیر پذیرفته است؟

(۴-۱) فرضیه‌های تحقیق:

۱ - زهدیات ابوالعتاهیه بیش از هر چیز تحت تأثیر قرآن کریم و نهج‌البلاغه است.

۲ - ابوالعتاهیه در شیوه زهد خود علاوه بر آرایه‌ها از مضامین قرآن و نهج‌البلاغه نیز تأثیر گرفته است.

۳ - قسمت اعظم زهدیات ابوالعتاهیه را تحقیر دنیا و دعوت به قناعت تشکیل داده است.

۱-۵) اهداف تحقیق :

- ۱ - تمرکز بر روی اشعار زهدی ابوالعتهیه و آشنایی با موضوعات اساسی آن.
- ۲ - میزان تأثیرپذیری ابوالعتهیه در زهدیات خود از منابع اصلی اسلام.
- ۳ - انجام تحقیق در زمینه پژوهش‌های ادبی - قرآنی.
- ۴ - شناخت بیش تر شعر عصر عباسی و میزان تأثیرپذیری آنان از مضامین قرآن و نهج‌البلاغه.

۱-۶) ضرورت تحقیق و روش آن:

تحقیق در مورد شاعران مهمی مانند ابوالعتهیه که شعرشان برخوردار از آرایه‌های زیبای قرآن و نهج‌البلاغه است ، دستاوردهای فراوانی را در حوزه پژوهش‌های ادبی - قرآنی به همراه دارد از جمله آن‌ها می‌توان به شناخت شعر عباسی و میزان تأثیرپذیری آنان از آرایه‌های قرآنی اشاره کرد. یکی از عواملی که انجام این تحقیق را ضرورت می‌بخشد، اشاره به این نکته است که در دوره عباسی، در کنار فساد اقتصادی سردمداران حکومت عباسی، لهو و مجون و خوشگذرانی‌های بی‌حد و حصر و زندقه ، تعداد زیادی از مردم در راه دیانت و هدایت قدم نهاده بودند و در مسیر صحیح حرکت می‌کردند به عبارتی دیگر می‌توان گفت که این دوره، دوره آزادی افراد بود. به وجود آمدن نحله‌ها و فرقه‌های مختلف اسلامی و غیراسلامی، درگیری‌های دینی و سیاسی و... گواه این مدعا هستند.

از جمله ضرورت‌های انجام این پژوهش اثبات تأثیرپذیری بسیاری از شاعران از جمله ابوالعتهیه از منابع اصلی دین اسلام می‌باشد. ابوالعتهیه هر دو نوع زندگی را تجربه کرده بود ؛ وی ابتدا غرق در لهو و لعب و فساد بود ؛ اما پس از مدتی از آن روی گردان شد و عنصر ایمان و تقوای الهی در وی از نفسانیات پیشی گرفت. از این رو وی تمام نبوغش را وقف اشعار زهدی، اخلاقی و تعلیمی نمود. در فایده و ضرورت این تحقیق همین کفایت می‌کند که بدانیم ابوالعتهیه در بیان مهم‌ترین مضامین و موضوعات تعلیمی و دینی از منابع اصلی دین یعنی از قرآن و نهج‌البلاغه اثر پذیرفته است و در ادبیات متعددی از این دو منبع گران‌بها الهام گرفته است.

در نوشتن این تحقیق روش کار کتابخانه‌ای ، توصیفی و با تجزیه و تحلیل فیش‌ها انجام گرفته است و به عبارت دیگر با بررسی و مطالعه آرا و زندگی شاعر و همچنین دیوان اشعار او و با مطالعه نظریات ادبا و ناقدان درباره ی این اشعار بر آن بوده‌ایم که میان این ابیات و آیات قرآن و همچنین سخنان حضرت علی(ع) مقایسه‌ای صورت بگیرد و نمونه‌هایی از این تأثیرپذیری‌ها مطرح شود.

۱ ۴) پیشینه‌ی تحقیق :

تاکنون پژوهش‌های پیرامون شعر و ادبیات عصر عباسی صورت گرفته است؛ همچنین پیرامون شعر ابوالعتهیه مخصوصاً در

زمینه‌ی زهدیات او تحقیق و پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است از آن جمله می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد :

۱. بررسی شرح حال و زهدیات ابوالعتاهیه نوشته مصطفی مرادی (دانشگاه تهران ، تاریخ دفاع : ۱۳۷۳)

۲. موازنه‌ی زهدیات ابوالعتاهیه با زهدیات سنایی از مرتضی قائمی (دانشگاه تهران ، تاریخ دفاع : ۱۳۸۳)

۳. شرح حال و بررسی شعر ابوالعتاهیه از محمد علی اطرشی (دانشگاه تهران ، تاریخ دفاع : ۱۳۶۹)

اگر بخواهیم پیشینه‌ی این مبحث را در آثار ادبیات عربی جستجو کنیم، باید بگوییم که کتاب مستقلی در زمینه‌ی

مقایسه‌ی زهدیات ابوالعتاهیه و تطبیق این اشعار با قرآن و نهج البلاغه وجود ندارد .

آثار فوق، گویای آن است که هر یک از آنها بنا به اهتمام ویژه پدیدآورندگانشان، به جنبه‌ای خاص از ویژگی‌های شعری

این شاعر عباسی ، اختصاص یافته است : مانند بررسی‌هایی که در حقیقت، بیان جلوه‌های ادبی و بلاغی و مضمونی است. نوع

تحلیل و بررسی ما در این مجال نیز بیانگر تاثیر پذیری گسترده این شاعر در سرودن زهدیات خود از قرآن و مطالب ارزش مند

نهج البلاغه در زمینه‌های واژگانی ، بیانی ، بلاغی ، مضمونی و محتوایی است. در این پژوهش کوشش شده تا با استخراج ابیاتی از

مجموعه‌ی زهدیات ابوالعتاهیه و بیان تاثیر پذیری از دو منبع گران بهای دینی، تحلیل نوینی از شیوه اقتباس این شاعر در سرودن

اشعارش ارائه گردد.

فصل دوم

عصر عباسی

۲. فصل دوم : عصر عباسی

در عصر عباسی عوامل جدیدی سبب شد که در ادبیات این عصر تحولی عظیم پدید آید . با ورود عناصر ایرانی، ترک، سریانی و رومی در تکوین دولت و اختلاط این عناصر، تمدن آریایی با تمدن سامی در هم آمیخت. در اثر این اختلاط و آمیزش، شیوهی تفکر و امیال رنگ تازه ای به خود گرفت. مهم ترین مرکز ادب - نخست مرکز خلافت عباسیان بود- در عصر عباسی بغداد بود .

۲-۱) اوضاع سیاسی عصر عباسی:

تاریخ سلسله خلفای عباسی از روی کار آمدن سقّاح در سال (۱۳۲ ه. ق / ۷۴۹ م) تا مرگ مستعصم و خرابی بغداد به دست مغولان (۶۵۶ ه ق - ۱۲۵۸ م) پنج قرن به طول انجامید. (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۲۶۷)

مرکز این تمدن، عراق، با پایتخت معروفش بغداد (مدیق السلام) بود. فقط آن جا را عباسیان وطن خویش احساس میکردند. انتخاب دمشق به عنوان پایتخت مورد توجه نبود ؛ چون مردم آن جا به بنی امیه وابسته بودند. از این گذشته از یک طرف دمشق از ایران، یعنی از جایی که قدرت عباسیان ریشه گرفته بود، خیلی دور بود و از طرفی به علت نزدیکی به مرز یونان از آن جانب تهدید می شد؛ چنان که در اواخر دوره اموی نیز حملات سختی از جانب مسیحیان برای تلافی شکست های قبلی به آن جا صورت گرفته بود. همچنین روشن بود شروع فتوحات اسلام در آینده - بخاطر هزینهی زیاد - به طرف شرق و به سمت مرکز آسیا بیش تر می شد تا غرب و بیزانس.

هنگامی که بنی عباس حکومت را در دست گرفت اولین اقدامی که لازم بود شرعی جلوه دادن حکومتشان بود . پایه‌ی دولت عباسیان بر شانه های ایرانیان استوار بود ، آن ها به جانب داری از علویان و عباسیان برخاسته بودند. در این نهضت از قدرت و نفوذ قوم عرب کاسته شد و بر قدرت ایرانی ها افزوده شد. قوم عرب نیز مانند بسیاری از ملت های دیگر تحت نفوذ قدرت و سلطه‌ی ایرانیان قرار گرفت. سرداران بزرگ سپاه ، وزیران، والیان و بزرگان از میان ایرانی ها بودند. پایتخت حکومت از شهر دمشق که یک سرزمین عربی بود به شهر بغداد در نزدیکی ایران و در جوار شهر مدائن پایتخت ساسانیان منتقل شد.

(عزالدین اسماعیل، ۱۹۷۵ : ۴۳ - ۴۴)

اولین کسی که در دوره عباسی منصب وزارت را به دست آورد ابو سلمه خَلّال ، وزیر السّفاح ، معروف به وزیر «آل محمد» بود. وزیر به عنوان رابط بین قدرت مطلق خلیفه و مردم بود، خلیفه در امور دولتی با او مشورت می کرد و بالاتر از همه وظیفه داشت خلیفه را مسدود نگاه دارد. (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۲۶۹)

در عصر عباسی، امر از دعوت به برابری و تساوی بین عرب و غیر عرب به افتخار و تفاخر موالی به اصول غیر عربی تجاوز کرد و همچنین تحقیر و خوار کردن عرب و سلب هرگونه فضیلت از آن ها را در بر گرفت ، این خود نوعی از برتری موالی در عصر عباسی را نشان می دهد .

احمد امین میگوید : دو گرایش بر عصر عباسی رهبری میکرد :

(۱) عرب بر امت های دیگر هیچ گونه برتری یا فضیلت ندارند و هیچ امتی نسبت به امت دیگری برتری ندارد .

(۲) تمایل به احاطه کردن عرب و رغبت به این مسأله که ملت های دیگر را بر قوم عرب برتری است.

(عزالدين اسماعيل، ۱۹۷۵: ۱۱۰)

گرایش مساوی بودن امت ها از زمان اموی ها به وجود آمد تا واکنشی باشد در مقابل گرایش اول که قائل به برتری عرب بر سایر امت ها بود. گرایش احاطه بر عرب در ایام رشید و مامون شکل گرفت. ما میبینیم گرایش مساوات و برابری که موالی در عصر اموی در ذهنشان میپروانیدند به شکل جدل بین آن ها و بین عرب ظاهر نشد تا که این جدل و مقابله به مثل در عصر عباسی خود را نشان داد .

بنابراین اصحاب دو گرایش اول و دوم به سطح جدل ظاهر نشدند مگر در عصر عباسی و آن هنگامی بود که موالی قدرت و

اهمیت وجودشان را در دولت جدید عباسی احساس کردند. (عزالدين اسماعيل، ۱۹۷۵: ۱۱۱)

۲-۱-۱) حکومت منصور:

ابو جعفر منصور که مثل بیش تر افراد سلسله اش ظالم و ستمگر بود ؛ شاید بزرگ ترین حکمرانی است که عباسیان به خود دیده اند. او برای حفظ مسند خلافت مجبور نشد سخت بجنگد. علویان که خود را به علت انتساب به فاطمه دختر پیامبر (ص) وارث بر حق پیامبر میدانستند، علیه این حاکم غاصب قیام کردند و او را آن چنان در تنگنا قرار دادند که در طول هفت هفته، جز در وقت نماز جماعت لباسش را عوض نکرد. (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۲۷۰)

در تاریخ حکومت عباسیان دو دوره مشخص به چشم می خورد :

۱. زمان منصور شامل خلافت مهدی، هارون الرشید، مأمون ، معتصم و واثق است که حدود یک صد سال به طول انجامید.

(۱۳۶ - ۲۳۳ ه. ق/ ۷۵۴ - ۸۴۷ م)

۲. دوره بعد با حکومت متوکل آغاز شد، (۲۳۳ - ۶۵۶ ه. ق/ ۸۴۷ - ۱۲۷۰ م). این دوره به جز مدت کوتاهی که قول اصلاح داده شده

بود به سرعت رو به انحطاط و زوال غیر قابل جبران می رفت . (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۲۷۰)

عصر دولت عباسی، درخشان ترین عصر دوران اسلام بود که به « عصر طلایی اسلام » لقب گرفت. در این عصر ایرانیان در

شکل گیری و تکوین حکومت نقش مهمی را ایفا کردند؛ از نظر عمران و سلطنت حکومتی را پایهریزی کردند که هیچ حکومتی از قبل و بعد به پای آن نرسید .

در این عصر فنون و آداب اسلامی شکوفا شد ، علوم بیگانه منقل شد و مورد استفاده قرار گرفت . دولت عباسیان آمیخته با

عنصر ایرانی بودند، زیرا این ایرانیان بودند که عباسیان را یافتند و تأییدشان کردند. آن ها را بر مسند قدرت و خلافت نشانند . به

خاطر همین پایتخت حکومتشان بغداد قرار گرفت تا به مملکت ایران نزدیک و مجاور باشد. در واقع خلفا به وسیله موالی منصوب میشدند و وزرا و تمام پست های مهم و کلیدی در دست ایرانیان قرار گرفته بود .

در عصر عباسی، تعصب و گرایش عربیت کم کم کنار گذاشته شد و جای خود را به شعوبیه داد . این باعث شد عناصر ایرانی، ترکی ، رومی و سربانی به سیستم حکومتی وارد شوند. زبان، فرهنگ و آداب هر کدام از این ملت ها بر ملل دیگری تاثیر گذاشت.

عرب ها در اواخر دولت امویان اکثر مناطق جهان را در دست گرفتند و سلطنت آن ها از هند و چین در شرق تا کوههای بیزانس در غرب ادامه داشت. در عصر عباسی دین و فرهنگ عرب همگانی شد و در بین ملل مختلف رواج پیدا کرد.

(الزیات، ۱۳۸۳: ۱۵۳)

طبیعی است در این صورت نیاز به آموختن زبان و لغت برای فهم بهتر قرآن و منابع اسلامی به وجود میآید. دایره ی لغت وسعت یافت و تمدن های دیگری را هم در برگرفت. علوم مختلف از زبان های دیگر به زبان عربی ترجمه و تالیف شد و در دارالحکومه به دستور مامون عباسی یک مرکزی جهت ترجمه ، تالیف و گردآوری این علوم بیگانه تأسیس شد. تأثیر پذیری و اقتباس عرب از فارسی فقط محدود به واژگان و الفاظ نمی شد ، بلکه همراه آن بسیاری از اصطلاحات، ضرب المثل ها، القاب و عنوان های مختلف وارد دربار خلافت عباسی شد .

در طول حکومت عباسیان طلبه های دینی از چشم دربار افتاده بودند . بسیاری از آنان از پذیرفتن مشاغل اجتماعی اجتناب میکردند. در این زمان علوم دینی و اسلامی در سایه حکومت قرار گرفته بود و سیاست های حکومت را جهت می داد . فقها و علمای بزرگ که عمدتاً عهده دار پست های مهم بودند مورد احترام واقع شدند و رابطه دوستانه ای با خلیفه داشتند.

(الزیات، ۱۳۸۳: ۱۵۵)

در عصر حکومت متوکل و جانشینانش مبالغه هنگفتی صرف سربازان تُرک می شد ؛ خلیفه را طبق نظر خود خلع یا انتخاب میکردند و درخواست های بیحدشان را با یاغیگری و کشتار پیش میبردند. فقط در مدتی کوتاه بین سال های (۲۵۶ - ۲۶۹ هـ) امور مملکتی تحت حکومت مهتدی نیرومند شد و چهار خلیفه بعد از او خوب پیش رفت ؛ اما ترک ها بار دیگر قدرت را به دست گرفتند از این تاریخ به بعد قدرت حقیقی در دست امیرالأمرا که در رُ اس سپاه بود قرار گرفت. در حالیکه نام خلیفه کهریزی دارای همه قدرت ها بود تنها به این خرسند بود که نامش تنها در ضرب سکه و خطبه نماز برده می شد. حکومت ترس و وحشت این سربازان ترک به دست سلسلهی ایرانی آل بویه که از سال (۳۳۴ تا ۴۴۷ هـ. ق) در بغداد حکمرانی می کردند از بین می رفت. سپس تسلط سلجوقیان با ورود طغرل سلجوقی به پایتخت شروع شد و حکومت این سلسله تا مرگ سنجر (۵۵۲ هـ. ق)، بیش از یک قرن ادامه یافت . (الزیات، ۱۳۸۳: ۱۵۶)

۲-۱-۳) فروپاشی خلافت عباسیان :

از اواسط قرن یازدهم تا آخر قرن چهاردهم قبایل چادر نشین ساکن ماورای جیحون در سه موج پیاپی به غرب آسیا سرزیر شدند. در ابتدا ترکان سلجوقی، سپس مغول های تحت فرمان چنگیز خان ، هلاکو و بعد قبایل تیموری آمدند که بیش تر آن ها ترک بودند. (ضیف، ۱۹۷۶: ۴۲)

در سال (۶۱۶ه) چنگیز که قدرت خود را در شرق دور م ستحکم کرده بود به سوی غرب برگشت . او ناگهان تا ماوراءالنهر که در آن هنگام ناحیه های بزرگ و تحت فرمان شاهان خوارزم بود پیشروی کرد.

پادشاه، سلطان علاء الدین خوارزم شاه، قادر به جلوگیری از هجوم مغول ها نشد . علی رغم این که پسر شجاع او جلال الدین طی ۱۱ سال با مغولان جنگ و گریز کرد ؛ خراسان و فارس به دست مغولان افتاد . تمام اهالی وحشت زده قتل عام شدند . جز خرابی چیزی بر جای نماند . بغداد تا این زمان به طور جدی تهدید نشده بود ؛ ولی در ذی الحجه سال (۶۴۴ه.ق) که روزی تاریخی است، هلاکو ، نوه چنگیز ، به قصد گرفتن پایتخت عباسیان از سیحون گذشت.

مغولان وارد بغداد شدند، به دسته های مختلف تقسیم و در شهر بپاکنده شدند . به مدت ۳۴ روز شمشیرها غلاف نشد .

با قتل مُستعصم ، آخرین خلیفه عباسی، خلافت عباسیان منقرض شد. (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۴۵۳)

۲-۲) اوضاع اقتصادی عصر عباسی :

عراق سرزمینی بود که از زمان های دور به تمدن و پیشرفت شهرت داشت، دولت ها و ملت های متمدن بسیاری را به خود دیده بود، مانند: آشوریان، ایرانیان و سریانیان. هر یک از این اقوام و ملل منشا یک سلسله آثار علمی و هنری بودند.

عراق به دلیل آب فراوان و زمین حاصلخیزش سرزمینی آباد بود .

منصور در آغاز دولت عباسی در نواحی کوفه شهری بنا کرد که آن را «هاشمیه» نامید . چون در آن جا سال (۱۴۱ هجری)، واقعه «راوندیه» اتفاق افتاد ؛ منصور سکونت در آن را به مناسبت اتفاق مذکور و هم به جهت همسایگی آن با کوفه ناپسند دانست؛ زیرا وی از مردم کوفه که سپاهش را فاسد کرده بود ، در امان نبود . (ابن اثیر ، ۱۳۵۱: ۵/۲۶۴)

بنابراین منصور خود شخصاً بیرون آمد و برای انتخاب جایی جهت ساختن شهر به جستجو پرداخت . مورخان چنین

حکایت کرده اند: (البغدادی ، ۱: ۹۳۱ه - ۱/۲۳) یا (حموی، ۱۹۶۵: ۱/۶۸۱) یکی از خردمندان نصاری نزد منصور آمد و او را از محاسن شهر بغداد آگاه ساخت . قصد منصور این بود که جای مطمئنی را بیابد تا از دست مارقین خراسان ، ملحدان ایرانی و نظیر آن ها در امان باشد؛ این مکان را در بغداد یافت. کوشش و حرص منصور در بنای بغداد زیاد شد ، به اطراف مملکت نامه نوشت تا صنعت گران و هنرمندان را نزد وی فراخوانند . گروهی از اشخاص عادل ، خردمند ، دانا ، امین و آگاه به علم هندسه را برگزید ؛ فرمان داد کار تقسیم شهر و بنای ساختمان را برعهده بگیرند . سپس در سال ۱۴۵ ه بنای ساختمان خلافت را شروع کرد .

(ابن طباطبائی، ۱۳۶۷: ۲۲۰)

پس از گذشت هشت سال، بغداد، پر از علما، تاجران و صنعت‌گران شد. منصور در سال (۱۵۷ هـ) ناچار شد قصر خود را در خارج از شهر بنا کند. (بغدادی، ۱۹۳۱: ۱/۷۵)

به این ترتیب بغداد به صورت شهر زحای و بزرگی که ساکنانش ایرانی بودند در آمد. در آن عادات، تقالید و مدهای ایرانی انتشار یافت. همانگونه که در آن رقص و پایکوبی، غنا و بسیاری از آرا و عقاید ایرانیان درباره ی زهد و زندقه رواج یافت. خلیفه‌ی عباسی «منصور» درباره بغداد می گفت:

(ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۵/۲۸۶)

« این جا برای این که موقعیت لشکرگاه شود جای مناسبی است. این دجله است، و در میان ما و چین گویی هیچ مانعی نیست. هر چه در دریا باشد از راه دجله به دست ما می رسد. از جزیره، ارمستان و اطراف آن هر چه بخواهیم آذوقه میآوریم و این سو نیز قرات است. از راه آن هر چه بخواهیم از شام و حوالی آن برای ما فراهم میآید. » (طبری، ۱۹۳۹: ۵/۲۷۲)

شهر بغداد عبارت از دایره‌هایی متحد‌المركز بود که در قلب آن قصر خلیفه موسوم به «باب الذهب یا قبه الخضراء» برافراشته شده بود. این اقتصاد شکوفا، زندگی پرتجملی را در پی داشت. خطیب بغدادی در این باره می گوید: «شهر بغداد را در جلالت قدر و فخامت امر، کثرت علما، بزرگان، تمایز خواص و عوام از یکدیگر، عظمت اقطار، وسعت اطراف و بسیاری خانه‌ها، دروازه‌ها، بازارها، مساجد، حمام‌ها، مهمان سراها، خنکی سایه‌ها، اعتدال تابستان، زمستان و صحت هوای بهار و پاییزش در همه جای جهان همانندی نیست.» (البغدادی، ۱۹۳۱: ۱ - ۱/۲۳)

تجارت در مناطق مخصوص بغداد ش آن و منزلت بزرگی داشت؛ بازارهای متعدد تشکیل شده بود؛ کالاهای گوناگون از جاهای مختلف جهان در این بازارها عرضه میشد و انواع پارچه‌ها و فلزات گوناگون وارد این بازارها می گردید.

(فاخوری، ۱۳۸۳: ۲۷۰)

۲-۳) اوضاع اجتماعی عصر عباسی :

در عصر عباسی محیط اجتماعی فقط از عنصر عرب تشکیل نشده، بلکه آکنده از عناصر مختلف مثل ترکی، سریان، یونانی و ایرانی شده بود. به دلیل وجود این عناصر غیر عرب در محیط جدید، اجتماعی به وجود آمد متشکل از عناصر غیر عرب که دیگر از آن تعصبات و گرایش‌های کورکورانه عربیت خبری نبود.

در این اجتماع تازه شکل گرفته انواع اعتقادات و فرهنگ‌های دینی و غیر دینی ارائه شد. ورود غلامان و کنیزان در دربار خلافت زیاد شد از جمله معایب این اختلاط فرهنگی انحطاط اخلاقی بود. از جمله عوامل به وجود آمدن آن، نگهداشتن کنیزان در خانه، اقدام به باده‌گساری، رواج خوش‌گذرانی و رفاه بیش از حد بود. همچنین تشکیل مجالس لهو، شراب‌خواری و آواز خوانی بود. (الزیات، ۱۳۸۳: ۱۸۲)

در عصر خلفای عباسی دانشمندان، پزشکان، مترجمان و مخصوصاً شاعران و آواز خوانان‌ی که منزلتی بزرگ و زندگی تقریباً مرقّهی یافتند تاثیر شگرفی در برپایی نهضت علوم و آداب و فنون داشتند برای بسیاری از آن‌ها مستمری و حقوق ماهیانه و سالیانه در نظر گرفته شده بود. گروهی از آن‌ها، به خصوص شاعران و آواز خوانان ثروت زیادی را کسب و اندوخته کرده بودند تاجائی که «ابراهیم موصلی»^۱ به مبلغ بیست و چهار میلیون درهم دست یافته بود. این علاوه بر آن حقوق و مستمری که حدود ده هزار درهم در هر ماه بود، میشد و هم چنین گفته میشود سلم الخاسر^۲ در هنگام مرگش پنجاه هزار دینار بر جای گذاشت. (ضیف، ۱۹۷۶: ۳/۵۰)

طبیعی است که پرداخت این مبالغ هنگفت و پاداش های اعیانی عواقب ناگواری را هم به دنبال دارد. مردم و به خصوص این طبقه از جامعه به رفاه و خوشگذرانی و زندگی اعیانی روی آورده بودند.

این موارد در بعضی از بخشهایی از زندگی خلفای عباسی که روایت میشود نمود مییابد همانند آن چه که از مجلس مهدی و ریختن پاش های آن چنانی و هم چنین نمونه هایی که از مجالس ازدواج مأمون با دختر وزیرش حسن بن سهل روایت میشود. بدون شک در مقابل این طبقه از مرفهین و ثروتمندان جامعه، عامه ی مردم قرار داشتند که در وضعیت فلاکت باری می زیستند. طبقه ی عام مردم از صلوات و پاداش های خلیفه و رفاه و خوشگذرانی به طور کامل محروم بودند. از این رو جامعه ی عباسی، ترکیبی از دو طبقه ی مرقّهین و نیازمندان بود.

اکثر مردم جامعه در فشار و سختی زندگی را به سر میبرند. این مردم غالباً از آزادگان و احرار بودند. شاید رواج رفاه و این بی بند و بارهای مادی باعث شده بود که علیه عباسیان خصوصاً در ایران انقلاب هایی برپا شود. (ضیف، ۱۹۷۶: ۳/۵۱)

از بازی هاییکه در این عصر رواج بسیار داشت شطرنج، مسابقات اسب دوانی و شکار بود. ولی خلفا و امرا بیش از همه شکار را انتخاب میکردند. همین امر مردم را به تربیت سگان شکاری تشویق میکرد.

خدمت کاران، بردگان زر خریدی بودند از ملل غیر مسلمان که برده فروشان آن‌ها را به زور از شهرها و دیارشان جدا کرده بودند یا در جنگ‌ها اسیر شده بودند.

^۱ ابراهیم الموصلی: اسحاق بن ابراهیم الموصلی فارسی الاصل و متوفی بغداد بود. (۱۵۵ هـ. ق - ۲۳۵ هـ. ق) او از ندیمان و نزدیکان خلفای عصر خود بود.

به صنعت آواز خوانی شهرت داشت. او عالم به زبان و موسیقی، تاریخ، علوم دینی و علم کلام بود. (المصری، ۱۹۹۸: ۲۳۰)

^۲ سلم الخاسر: سلم بن عمر و بن حماد شاعری ماجن از اهل بصره بود. اشعاری در مدح هارون الرشید و اخبار در مورد بشار بن برد داشت. به او لقب

الفاسد داده شد، زیرا او مصحفی را فروخت و با پول آن یک طیفور را خرید متوفی سال ۱۸۶ هجری قمری می باشد. (اصفهانى، ۱۴۰۷: ۳/۱۶۸)